

در میامد همیشه معشوق سالکان طریقت و شیفتگان حقیقت و سرمایه سرور و شادمانی اهل حال و ذوق بود به همین جهت نسخ پیشماری از آن در دسترس اصحاب معرفت گذاشته شده و پس از پیداشدن صنعت چاپ ... حواشی و تفسیر های پیشماری بر این کتاب بی‌مانند نوشته شده « (۶) است .

با این مقدمه طبیعی است که شمارش همه کسان در زمینه اقتدای شاعرانه از مولانا غیرممکن و به هر حال از عهده این مقال بیرون خواهد بود لذا تا آنجا که یارایی و توانایی جستجو را در خود سراغ می‌بینم به معرفی چند تن از مریدان و علاقمندان ایرانی و غیر ایرانی مثنوی به که به هر حال با آن انس و الفتی درونی یافته‌اند مبادرت خواهم ورزید .

۱- تئهای بر مثنوی :

در ابتدای مسئله باید گفت طبق مندرجات پاره‌ای کتب ادبی ، اول کسی که سخنان مولانا را به همان سبک و شیوه دتبال کرد فرزندش سلطان ولد - صاحب مثنوی ولدنامه - بوده و هم اوست که «دفتر هفتم مثنوی» را سرود و خاتمه داد . اما در اینمورد نمیتوان با قاطعیت و اطمینان اظهار عقیده کرد خاصه که مولفان بزرگ معاصر نیز به صراحت نوشته‌اند که مثنوی دفتر هفتم از وی نیست و از کسان دیگر است نهایت برای نویسنده مقاله حاضر روشن نگردید اگر سراینده دفتر هفتم مثنوی سلطان ولد نیست پس کیست ؟ سلطان ولد فرزند و جانشین مولانا از همه جهات پیرو پدر و از آثار و افکار او متأثر بود ، چندانکه دیوان اشعار و رباعیاتش مشابه سروده های مولاناست و صرفنظر از دو مثنوی که در بحر رمل (موازن مثنوی معنوی) ساخته و پرداخته در مثنوی معروف ولدنامه نیز گرچه به بحر خفیف سروده اندیشه ها و الفاظ پدر را در آنها تعبیه کرده است .

استاد همایی که هر سه مثنوی را ملاحظه کرده است گوید : دومین مثنوی ولد ، هموزن مثنوی مولانا به بحر رمل مسدس مقصور یا محذوف است . این مثنوی را پس از مثنوی بحر خفیف ساخته و در مقدمه‌اش نوشته است : «دوستان به من گفتند که بروزن الهی نامه سنائی کتابی گفتی بهتر آنست که بروزن مثنوی مولانا هم کتابی گفته آید . بیت اول این مثنوی :

بشنوید از ناله چنگ ورباب

نکته‌های عشق در هر گونه‌باب

و دوبیت آخرش :

شو ولد خامش مکن این سرو راز

زانکه کوبه خوشتر است اسرار و راز

شد تمام از راه دادار این کتاب

بس کنم والله اعلم بالصواب

سومین مثنوی ولد که بعد از دو مثنوی

مذکور ساخته باز هموزن مثنوی مولاناست و باین

بیت آغاز میشود :

می‌کنم با نام حق آغاز باز

نکته های نادر و پر راز باز

و به این دوبیت پایان میرسد :

زین دعا بهتر نباشد خود دعا

که شود مقبول یابندش عطا

مثنوی مولانا جلال‌الدین مولوی طی هفت قرن اخیر بارها مورد تقلید ، شرح و بسط و تفسیر ، یا تلخیص یا تدریس قرار گرفته است . با آنکه مولوی پیش از آنکه یک « شاعر » توانا شناخته شود « عارفی » شیدا و وارسته و قلندری صاحب طریقت معرفی میشود و به همین لحاظ ، « مثنوی » او نیز قبل از آنکه یک « شاهکار » در بحر رمل به‌شمار آید « وسیله‌ای » برای بیان افکار و اندیشه های عرفانی و اخلاقی محسوب میگردد مع‌هذا این اثر بزرگ ، بارها توسط کسانی که به نحوی از آن متأثر بوده‌اند مورد شرح و بررسی یا تقلید قرار گرفته است . مرحوم رضازاده شفق در تاریخ ادبیات ایران گوید :

« تأثیر مولانا جلال‌الدین در افکار و اذهان ، بسیار و پیروان و مقلدان او بیشتر است . نه تنها نفوذ معنوی و ادبی استاد در ایران و هند و آسیای صغیر یکمالت بلکه شهرتش به مغرب زمین هم رسیده و اشعارش به لغت‌های آسمان نقل و ترجمه گردیده است . تفاسیر زیاد در شرح مثنوی تألیف یافته که از آن جمله میتوان از جواهر الاسرار کمال‌الدین حسین خوارزمی به فارسی و تفسیر اسماعیل‌بن احمد به ترکی نام برد . حکیم نامی ملاحادی سبزواری نیز شرحی و چیز مرقوم داشته است . (۱) »

استاد فقید بدیع الزمان فروزانفر در کتاب « زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد » گوید : نظر به اشکال و صعوبت فهم اسرار مثنوی ، عما و متصوفه در حل معضلات و توضیح مشکلات آن جهد و سعی و اهتمام داشته و شروح بسیار به فارسی و عربی و ترکی بر تمام دفاتر و قسمتهای مختلف آن بنظم وثر تألیف نموده‌اند « (۲) »

استاد دکتر صفا در « تاریخ ادبیات در ایران » گوید : « مثنوی جنبه تعلیماتی خاصی در میان صوفیای یافت و چندبار به‌تمامی یا یاجزاء شرح شد « (۳) و جای دیگر میفرزاید : « مثنوی ... مورد احترام و تعظیم قرار گرفت ... تلخیصهایی از آن فراهم آمد و شروخی متعدد تا روزگار بها بر آن نگاشته شد « (۴) .

دکتر صادق گوهرین در مقدمه‌ای که بر رساله « پیرچنگی » از ردیف « شاهکارهای ادبیات فارسی » نوشته است گوید : « مثنوی در بحر رمل محذوف ساخته شده است و ... از آنجا که فهم احوال صوفیای و مردان کامل و روندگان این طریقت ، خالی از صعوبت نیست درک بسیاری از مطالب این کتاب بدون دانستن اصطلاحات و رموز عرفان بدون اشکال نخواهد بود خاصه آنکه جهانی معلومات صوری و افاضات غیبی ... به صورت این اشعار ، ارائه و ظهور یافته است و به همین علت تقریباً اندکی پس از او بر این کتاب بی‌نظیر شروح و حواشی و تفسیرهای متعدد نوشته‌اند تا مگر درک معانی بلند مثنوی بر خوانندگان آن آسان شود . « (۵) »

آنگاه میفرزاید : « از همان اوان که معانی بلند این نامه الهی از عالم بی‌نشان بوسیله ذهن وفاد مولانا پای به دایره وجود میگذاشت و به سبک نظم

ابوالفتح حکیمیان

شاعران

مقلدان

مثنوی

معنوی

شد سوم دفتر به فضل حق تمام
تا رسد رهرو به منزل والسلام» (۷)
سلطان ولد در تنظیم ولد نامه یا مثنوی
ولدی - با وجود آنکه وزن بحر خفیف را با رمل ،
فصله هاست - اولاً ابیات ذیل را از مولانا جابجا
به عنوان تمثیل یا استناد نقل کرده است :

- ۱ - خوشتر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران
- ۲ - هر که بر هستی حق جوید دلیل
او زیانمند است و اعمی و ذلیل
- ۳ - تا دل اهل دلی نامد پندره
هیچ قومی را خدا رسوا نکرد
- ۴ - ماح خورشید مباح خود است
که دو چشم روشن و نامرمد است
- ۵ - دم خورشید جهان دم خود است
که دو چشم کوروتاریک و بد است
از غزلیات :

بنمودمی نشانی ز جمال او ولیکن
دو جهان بهم برآید سرشور و شرندارم
همچنین پاره‌ای تمثیلات و مطالب مثنوی
مولانا را عیناً تکرار کرده گرچه در شرح و تفصیل
آنها مانند پدر توانایی و رسایی نشان نداده است
و این همه علی‌الظاهر مینمایند که دفتر هفتم مثنوی
هم از اوست اما دو تن از صاحب نظران معاصر ، با
برهان و دلیل ثابت میکنند که چنین نیست . نخست
شادروان فروزانفر با بیان مستدل و استوار خاص
خود یک بار انتساب دفتر هفتم را به شخص مولانا
رد میکند و نظر اسماعیل انقروی را مبتنی بر حدس
مینماید سپس گوید : « آنچه به قوی‌ترین حدس
در باره این دفتر به نظر میرسد اینست که آنرا یکی
از مردمان آسیای صغیر که از مریدان و معتقدان
مولانا بوده و به زبان فارسی آشنائی چندان
نداشته بقصد تقلید بهم پیوسته و از فرط ناهوشیاری
و دوری از میجاری استعمالات زبان فارسی مرتکب
اغلاط شنیع گردیده حتی یک بیت هم که متضمن
فکری لطیف یا لفظی شریف باشد نظم نداده است (۸)
و جای دیگر گوید : چون مسلم نیست که آن
اشعار از سلطان ولد باشد حکم قطعی نتوان کرد .
نظر دوم از شادروان سعید نفیسی است که
در دومورد از کتاب « تاریخ نظم و نثر در ایران و
در زبان فارسی » گوید : « ونیز منظومه‌ای به همان
وزن و سیاق مثنوی بدست هست که به اسم دفتر
هفتم مثنوی معروف شده و به [سلطان ولد] نسبت
میدهند اما از او نیست » (ص ۱۶۰) « و نیز دفتر
هفتم مثنوی را به خطا به او نسبت میدهند »
(ص ۱۹۹) . اما آن مرحوم نیز در سراسر کتاب
یاد شده سراینده آنرا معرفی نکرده است .

از آنچه گذشت این نتیجه فرا دست می‌آید
که دفتر هفتم مثنوی مولوی نه از آن آن بزرگوار
و نه مولود افکار فرزندش سلطان ولد است اما
آنچه مسلم است کسی ناشناس تحت تاثیر سروده‌های
مولانا ، اراده کرده است تا حد توانایی آنرا خاتمه
دهد و این اولین تنه‌ای است که برای مثنوی
مولانا تنظیم کرده‌اند . « غیر ازین دفتر الحاقی
تنه‌های دیگری هم از مثنوی در دست داریم مثلاً
نجیب‌الدین رضا از صوفیان قرن یازدهم در سال

۱۹۰۴ هجری خاتمه‌ی برای مثنوی ترتیب داد و
آنرا «سبع‌المثنای» نامید و باز همین کار را « الهی
بخش» هندی متوفی بمسال ۱۳۴۵ هجری کرد» (۹) .
از تنه‌هایی که بر مثنوی مولانا جلال‌الدین
افزوده‌اند جز این دو مورد مرا به دیگری دسترسی
حاصل نشد پس اینک به معرفی چند تن از مقدمات
او و شارحان و خلاصه‌کنندگان مثنوی مبادرت
می‌ورزم :

۲ - مثنوی مولوی در هند برای اولین بار
توسط شاه شرف‌الدین ابوعلی بن سالار فخرالدین بن
حسن بن سالور معروف به ابوعلی قلندر در قرن
هشتم مورد تقلید قرار گرفت . وی از بزرگان
مشایخ طریقه چشتی هند و پدرش مردی عارف
و مادرش بی‌بی حافظه جمال زن پرهیزگاری بود .
ابوعلی قلندر در نظم و نثر فارسی مهارت تمام
داشت و در غزل «شرف» تخلص میکرد . وی دارای
سه مثنوی در بحر رمل به سبک مثنوی مولوی است که
تخستین شامل ۱۲۰۰ بیت ، دومی ۲۳۸ بیت و
سومی ۳۶۲ بیت است .

۳ - دو کتاب «جواهر الاسرار و زواهر
الانوار» و «کنوز الحقائق فی رموز الدقائق» در شرح
مثنوی مولوی از شیخ امام کمال‌الدین حسین بن
حسن بن کاشانی خوارزمی از بزرگان عرفای قرن
نهم ، اصل وی از کاشان بود اما بخوارزم
میزیسته است . نسب وی به نجم‌الدین کبری عارف
مشهور قرن ششم میرسد و به همین لحاظ منسوب
به وی و مشهور به کبروی نیز بوده است . مقدمه
جواهر الاسرار و زواهر الانوار که تدوین آن از سال
۸۳۵ لیلی ۸۳۹ به ترازا کشید در تعریف تصوف ،
مشهور خاص و عام است . دیوان قصائد و غزلیات
او را به غلط از حسین بن منصور حلاج دانسته و به
چاپ آن مبادرت ورزیده‌اند .

۴ - کتاب «لباب مثنوی فی انتخاب مثنوی»
و انتخاب دیگری تحت عنوان «لب لباب مثنوی»
از معین‌الدین (یا کمال‌الدین) حسین بن علی
کاشفی ، واعظ معروف به ملا حسین کاشفی یکی از
معروفترین دانشمندان قرن نهم و مولفان زبان
فارسی است . وی در شهر سبزوار کوفتاجیه بیجو
ولادت یافت و پس از طی مراحل علمی در سایه
بانگ خوش و گفتار گیرنده و فریبده و حافظه
سرشار خود به تشکیک میجالی و خط برداخت . وی
با جامی هم‌زمان و معشور بود و به هدایت وی در
سنگ طریقه نقشبندیه درآمد آنگاه مورد عنایت
شاهزادگان تیموری قرار گرفت و به تالیف آثار
خود پرداخت که معروفترین آنها مواهب علیه در
تفسیر به فارسی و مشهور به تفسیر حسینی است .

۵ - کتاب «مفتاح التوحید» خلاصه‌ای از
مثنوی مولوی است که علی درویش بن عثمان شاشی
از عرفای ماوراءالنهر در قرن نهم هجری آنرا
تدارک دیده است .

۶ - یکی از بزرگترین مریدان - بل
مقتدیان مولانا - و ارادت‌ورزان مثنوی وی ،
استاد عبدالرحمن جامی است که ضمن «رسالة النائیة»
یا «لی‌نامه» ابیات اول مثنوی مولوی را مورد
شرح قرار داده است وی همچنین دارای رساله‌ای
است که طی آن دو بیت از مثنوی توسط این

دانشمند بزرگ قرن نهم شرح داده شده است .
۷ - کتاب «منتخب مثنوی معنوی» از
عبدالحق بن سیف‌الدین دهلوی متخاص به حتی از
دانشمندان و متصوفه و تاریخ نویسان مشهور هند
که در جوانی ، ادبیات پارسی و تازی را فرا گرفت
و پس از سیر آفاق در ۱۰۵۲ درگذشت . وی مولف
کتابهای بسیار در فنون مختلف به دوزبان فارسی و
عربی است که منتخب مثنوی معنوی یکی از آنهاست .
۸ - کتاب «کاشف الاسرار و مطلع الانوار»
در شرح مثنوی توسط حسن چلبی طریقی به سال
۹۸۳ تالیف یافته است .

۹ - شرح مثنوی مولانا جلال‌الدین به
فارسی که توسط مصلح‌الدین مصطفی بن شعبان متخاص
به سروری از ادبای نامی خاک عثمانی و از مشاهیر
زمان خود بود . سروری که به زبان فارسی کاملاً
آشنا بود به سرایندگان نامی ایران ارادت بسیار
می‌ورزید چندانکه صرف نظر از شرح مثنوی به
فارسی ، بوستان سعدی ، دیوان حافظ و رساله معنای
جامی را به ترکی مورد شرح و تفسیر قرار داده
است . وی که روزگاری معلم و مربی خاص سلطان
مصطفی پسر سلطان سیم بود شرح مثنوی مولانا
جلال‌الدین رومی را در خانقاه نقشبندیان استانبول
تدوین کرد و پس از آن گلستان سعدی را به تازی
مورد شرح قرار داد . یک نسخه از شرح مزبور
که ناظر بر دفتر اول مثنوی است در کتابخانه مجلس
شورای ملی موجود است .

۱۰ - شاه جلال‌الدین شیرازی از عرفای
قرن دهم هجری که پس از زیارت مکه تا هندوستان
حجرت کرده بود مثنوی مولانا جلال‌الدین را برای
شاگردان و مریدان خود تدریس کرد . وی که
شرحی نیز بر گلشن راز نوشته در ۹۴۴ درگذشته
است .

۱۱ - مثنوی «مرآت المعالی» و مثنوی
دیگری به نام مهر و ماه از حامدین فضل‌اله جمالی
دهلوی معروف به درویش جمالی یا شیخ جمالی ویا
ملا جمالی از مشاهیر عرفای هند در اواخر قرن
نهم و از پیروان طریقه چشتی بود . وی در شاعری
و نویسندگی شهره داشت و در شعر نخت «جلالی»
تخلص میکرد و در سال ۹۰۱ مرشدش سماء‌الدین
به وی تخلص «جمالی» داد . صرف نظر از دو منظومه
مرآت المعالی و مهروماه که به وزن مثنوی مولانا
سروده مثنویهای دیگر و قصائد و غزلیات شامل ته
هزار بیت از او باقیست . درویش جمالی دیدار
جامی را نیز درک کرده و از سفرهای دور و دراز
خود به سرزمینهای مختلف ، سفرنامه‌ای تدارک دید
و سرانجام در ۹۴۲ درگذشت .

۱۲ - کتاب «تسلی القلوب» در شرح سه بیت
اول (۱۰) مثنوی مولانا جلال‌الدین که توسط
سید مرشد درویش یسوی از صوفیان طریقه احمد
یسوی عارف مشهور قرن ششم ترک به نام مبارز‌الدین
شروان گرامی خان پادشاه قریم (کریمه) نوشته شده
است .

۱۳ - کتاب مثنوی گلشن توحید از ابراهیم
دده شاهی قونیوی - مولوی که نخست متضمن
ششصد بیت برگزیده از مثنوی مولانا بود و چون
بر اثر پراکندگی ابیات ، مفاهیم ، ارتباطی به هم

نداشت بر آن شد با سرودن ابیاتی ، مطالب از هم گسیخته را به یکدیگر پیوند دهد پس در میان هر دو بیت از منتخبات مثنوی ، چند بیت از خود سرود و بر آن بیفزود و مثنوی گنشن توحید را در شش فصل متضمن ۳۰۴۰ بیت به پایان رسانید . شاهد مولوی که در این امر ، ابتکار به خرج داده و زحمات فراوانی در پیشبرد مقصود خود متحمل شده از صوفیان قرن دهم و از مشایخ طریقه مولوی بوده است .

۱۴ - شرح شش دفتر مولانا جلال‌الدین مولوی از قاضی نوراله شوشتری دانشمند مشهور قرن دهم هجری ، مولف کتاب مشهور مجالس المومنین و آثار بسیار دیگر که جان خود را در راه تعصب پرشیعیگری از دست داد و در اکبرآباد هند مدفون گردید .

۱۵ - مثنوی معنوی الخفی از شیخ ابراهیم شهاب‌الدین گلشنی یردعی که از بزرگان تصوف قرن دهم بشمار است و طریقت وی هنوز در ترکیه و مصر رواج دارد . وی اشعار نازلی ، فارسی و ترکی را استادانه میسرود و مثنوی معنوی الخفی که بروزن مثنوی مولانا جلال‌الدین سروده شامل چهل هزار بیت است .

۱۶ - مالتصراله واقف خلخالی که از دانشمندان زمان خود بود و در شعر فارسی دست داشت بیشتر اشعار مولانا را از حفظ بود و روزگاری در کمال پارسی و افتادگی سپری کرد .

۱۷ - سه کتاب «بشارت نامه» ، «کرسی نامه» و «توحید نامه» در بحر رمل و وزن مثنوی مولانا جلال‌الدین که توسط ابوالحسن علی‌الاعلی نخسین خلیفه فضل‌الله حروفی در بین طریقت وی از ۸۰۳ الی ۸۱۴ سروده و پایان داده است .

۱۸ - منتخبی از مثنوی مولانا جلال‌الدین توسط درویش محمدبن دوست محمد بخاری از اصحاب خواجه عبدالله احرار در اوایل قرن دهم هجری فراهم آمده است .

۱۹ - سید نظام‌الدین واعظ شیرازی معروف به شاه داعی و متخلص به داعی از بزرگان عرفای قرن نهم بود . وی که صاحب کتابها و رسائل به نظم و نثر فارسی است صرفنظر از مثنوی شاهد و مثنوی چشمه زندگانی ، بناپردخواست سید ابوالوفا یکی از مریدان خود مثنوی مولانا را نیز مورد شرح قرار داده که موسوم به «حاشیه داعی» است .

۲۰ - شمس‌الدین احمد افلاکی مولف کتاب معروف مناقب العارفین ضمن همین کتاب که به فرمان شیخ جلال‌الدین عارف - نواده و جانشین مولانا - در شرح حال وی و پدر وی ، استادان و دوستان ، پسر و خلقای او در سه فصل نوشته مثنوی معنوی را مورد شرح قرار داده است .

۲۱ - شرحی از عبداللطیف بن عبداللہ العباسی به نام «لطف‌المعنوی» و فرهنگی از لغات مثنوی به نام «لطف‌اللغات» که به زعم خود صحیح‌ترین نسخه های مثنوی را در دست داشت و پس از سالها زحمت ، مقدمه‌ای بر آن ترتیب داد و این «نسخه ناسخه» را «مرآة المثنوی» نامید که غیر از مرآت‌المثنوی تلمذ حسین است .

۲۲ - کتاب طاق‌دیس مشتمل بر حکایات و تمثیلات به سبک مثنوی مولوی پیش از سال ۱۲۴۵ توسط ملا احمد عراقی پسر ملا مهدی صاحب جامع‌السعادات تدارک شده است . ملا احمد که در علم اصول آگام و صاحب چندین رساله بود در شعر «صفائی» تخصص میکران و صرفنظر از مثنوی طاق‌دیس ، کتابی نیز به تقلید از گلستان سعدی نوشته است .

۲۳ - ملا یوسف مولوی (م ۹۵۳) از مثنوی مولانا اختصاری ترتیب داده و نام آنرا «جزیره مثنوی» گذاشته است .

۲۴ - اختصار دیگری از مثنوی مولانا توسط سید عبدالفتاح حسینی عسکری صاحب شرح «مفتاح المعانی» ترتیب یافته که موسوم به «در مکنون» است .

۲۵ - اختصار دیگری توسط تلمذ حسین به نام مرآت‌المثنوی فراهم آمده که غیر از مرآت‌المثنوی مذکور در شماره بیست و یک مقاله حاضر است .

۲۶ - شرحی از حاجی ملا هادی سبزواری فیلسوف قرن سیزده هجری که در سال ۱۲۸۵ یعنی یک سال بعد از فوت مولف به طبع رسید .

۲۷ - شرح «مکاشفات رضوی» که توسط محمد رضا مورد تالیف قرار گرفته است .

۲۸ - پس از آنکه آوازه مثنوی مولوی از بومها و مرزها گذشت و پیدایی صنعت چاپ ، امکان داد نسخه های پیشماری از آن در دسترس مریدان وی قرارگیرد دانشمندان غرب به بررسی و شرح و بیان بیشتر آن همت گماشتند . من جمله نسخه‌ای از مثنوی است که به سال ۱۶۷۷ نوشته شد و توسط ربنولد نیکسن در لیدن از بلاد هلند به چاپ رسید و به فاصله بیست سال تمام ابیات آن به انگلیسی ترجمه گشت . آنگاه دو جلد بزرگ متضمن شرح ابیات و توضیح لغات دشوار بر آن اضافه گردید که صاحب نظران میگویند از لحاظ صحت متن و ترجمه صحیح و حواشی فاضلانه ، نظیر و مانند ندارد .

۲۹ - شادروان دکتر محمد اقبال لاهوری ، شاعر و فیلسوف نامدار معاصر و پدیدآورنده فلسفه «خودی» که موجب استقلال و احیاء پاکستان گردید یکی از پیروان سینه چاک مثنوی مولانا جلال‌الدین بود . وی که هرگز ایران را ندید زبان فارسی را که در آن به حد کمال رسیده بود «وسینه» ابراز معتقدات فلسفی والهی خود قرار داد و ازین رهگذر به جایی رسید که بعضا آثاری روانتر و دانشین‌تر از برخی شاعران ایرانی پدید آورد و سرانجام ، رساله دکتری خود را نیز در دانشگاه مونینخ پیرامون فلسفه ماوراءالطبیعه در ایران برگزید . وی در مثنوی‌سرای چنان حدیثات و بقیه در صفحه ۵۷

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



نفوذ او موجب شده بود که دولت يك سلسله قوانين به منظور مرتب کردن سيستم پولی و بانکی به تصویب برساند و این قوانين صرفاً به نفع دنیای تجارت بود .

1. Marianne Debouzy
2. Daniel Drew
3. Cornelius Vanderbilt
4. William Vanderbilt
5. Jay Cooke
6. Jay Gould
7. Collis Huntington
8. Leland Stanford
9. Andrew Carnegie
10. John D. Rockefeller
11. J. P. Morgan
12. Jean Lhomme
13. La Grande Bourgeoisie au Pouvoir (1830-1880), صفحه ۶۳، ۱۹۶۰، Paris
۱۴. این کتاب مدعی تجزیه و تحلیل ببط و توسعه سازمانهای سرمایه‌داری از نظر تاریخ اقتصادی نیست . (مؤلف)
15. Ernest Labrousse
16. Harold Faulkner
۱۷. تاریخ اقتصادی ایالات متحد - پاریس ۱۹۵۸ تألیف هارولد فاکنر .
18. St. John Crève Coeur
19. Salmon P. Chase
20. Greenbacks
21. Sandusky (Ohio)
22. A national debt, a national blessing

بگذرانند که به موجب آن اجازه داده می‌شد نخستین خطوط تراموای شهر واشینگتن ساخته شود و خود او برای این کار شرکتی تشکیل داد . در ۱۸۶۹ توانست در قانونی که به نفع يك کمپانی راه‌آهن تصویب شده بود تغییرات و اصلاحاتی وارد کند و این تغییرات کلاً به نفع خود او تمام شد .

کوک به سبب توفیق استثنایی خود در معاملات بانکی حین صدور اوراق قرضه ملی به دفعات مختلف قدرت خود را تحکیم بخشید . در آن هنگام که «چیس» برای فروش نخستین اوراق قرضه منتشر شده با بزرگترین مشکلات مواجه بود کوک توانست در مدتی بسیار کوتاه آن اوراق را به فروش برساند . او این کار را با استفاده از روشی کرد که در آن زمان در ایالات متحد کاملاً تازه داشت ، بدین معنی که به کمک شبکه وسیعی از دلالان و عاملان بسیار ورزیده فروش و با تبلیغات عظیم و دامنداری که کلیه افراد مملکت را در برمی‌گرفت و از طریق مطبوعات و اعلانات انجام می‌شد توانست شعار جالب «قرض ملی فرض ملی» (۲۲) را در تمام مملکت رسوخ دهد .

کیفیت خدمات کوک ، روابط نزدیکی که او را با محافظان نفوذ دولتی پیوند می‌داد ، کمک مالی قابل توجهی که در چندین مورد وانفا به حزب جمهوریخواه کرد ، استفاده از روزنامه‌هایی که سردبیرانشان از گرم بیدریغ او بهره‌مند می‌شدند همه و همه این عوامل بیشک روشنگر این حقیقتند که چگونه کوک توانست در تمام مدت جنگ عامل و نماینده انحصاری دولت برای فروش اسناد خزانه باقی بماند . در سه نوبت در زمان جنگ که دولت اوراق قرضه ملی جمعاً به مبلغ ۸۳۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار منتشر کرد ۷۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار آن را کوک به فروش رسانید و از این معاملات رقمی معادل ۷ میلیون دلار بابت حق‌العمل نصیب شد . این حق‌العملها و سرمایه کردن آنها در کارهای استخراج ذغال و آهن و کشیدن راه‌آنها و تأسیس شرکت‌های بیمه ، پس از جنگ ، کوک را به مقام بزرگترین بانکدار ایالات متحد رسانید .

شارحان و مقلدان (بقیه)

استادی به خرج داده است که خواننده خیال میکند ملای رومی آن ابیات را در زبان اقبال تعبیه کرده است . بهترین نمونه مثنویهای او که از مولانا متأثر است «جاویدنامه» اوست که در آن بیش از هر مثنوی دیگر با جلال‌الدین بلخی همراه میشود تا آنجا که پنداشتی روح آن بزرگوار در تنش حلول کرده است . دو بیت زیر که متضمن عقیدت او در زمینه شعر و شاعری است نمونه‌ای از سرودهای اوست :

سینه شاعر تجسلی زار حسن
خیزد از سیمای او انوار حسن
شعرا مقصود، گرامگری است
شاعری هم وارث پیغمبری است

روانش شاد باد (۱۱) .

۳۰ - مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر نیز اختصاری از دو دفتر اول و دوم مثنوی با شرح برخی ابیات ترتیب داده که متأسفانه پیش از آنکه دفاتر خود را پایان دهد چشم از روزگار فرویست .

۳۱ - سیدمحمدعلی جمائزاده خلاصه‌ای از حکایات مثنوی را به نام «بانگ نی» فراهم آورده است .

۳۲ - در نشریه سازمان جهانگردی قونیه از کتاب منظومی به نام «نخل تجلی» نام برده‌اند که توسط یکی از مریدان مولانا به نظم و دربارۀ مثنوی او فراهم شده است (نشریه گلدسته مولانا

گوهرین

۳۳ - در سالهای اخیر به اهتمام دو تن از استادان ممتاز دانشگاه دکتر پرویز نائل خانلری و دکتر ذبیح‌اله صفا - گروه‌هایی از «شاهکارهای ادبیات فارسی» به صورت جزوه‌های کمک حجم انتشار یافته که سخت مورد استقبال واقع شده است . شماره هفت سری انتشارات مزبور داستان پیرچنگی و چند حکایت دیگر از مولانا است که به چاپهای متعدد بنائیل آمده است . شرح ابیات و لغات دشوار و توضیحاتی که در حواشی رساله مزبور داده شده است ، نظر دکتر پرویز نائل خانلری و دکتر ذبیح‌اله صفا - چاپ ششم - ۱۳۵۰ - ص ۹ .

۳۴ - در تحریر مقاله حاضر از منابع ذیل بهره‌برداری شده است :

- تاریخ ادبیات در ایران . دکتر ذبیح‌اله صفا .
- تاریخ ادبیات ایران . دکتر رضازاده شفق
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی . سعید نفیسی .
- ولدنامه . جلال همایی .
- زندگانی مولانا ، جلال‌الدین مولوی . بدیع‌الزمان فروزانفر .
- تاریخ مقول . عباس اقبال آشتیانی .
- تاریخ فرهنگ ایران . دکتر عیسی صدیق
- مقدمه پیرچنگی . دکتر سید صادق

- نشریات سازمان توریستی قونیه .
- ۱ - از جواهر الاسرار قریبا نام میبریم اما به شرح حال و آثار اسمعیل بن احمد دستری حاصل نگردد .
- ۲ - ص ۱۶۵
- ۳ - ج ۳ ص ۴۶۱ .
- ۴ - شماره ۷ شاهکارهای ادبیات فارسی - پیرچنگی - به اهتمام دکتر سیدصادق گوهرین - نظر دکتر پرویز نائل خانلری و دکتر ذبیح‌اله صفا - چاپ ششم - ۱۳۵۰ - ص ۹ .
- ۵ - همان . ص ۱۰ .
- ۶ - ولد نامه . مقدمه : ص ۲۳ .
- ۷ - زندگانی مولانا ... ص ۱۵۸ و ۱۶۱ .
- ۸ - تاریخ ادبیات در ایران . ج ۳ . ص ۴۶۷ .
- ۹ - در مدخل موزه مولانا (قونیه) يك مثنوی خطی نزدیک به زمان وی به نظر من رسید که مصراع اول آن چنین بود : «بشنو این نی چون حکایت میکند؟» ...
- ۱۱ - درباره شعر و فلسفه اقبال لاهوری مقاله‌ای به قلم نویسنده این مقاله در سال ۱۳۳۶ تحریر گردید که سخت مورد توجه سفارت کبرای پاکستان قرار گرفت و با اهداء مدال طلا و بیست جلد کتاب ، نویسنده را مورد محبت قرار دادند .
- نگین - مرحوم موسی ثری نیز هر شش دفتر مثنوی را تحت عنوان «شرح و نثر مثنوی» با بیانی گرم و شیوا و عارفانه به نثر درآورده و جادار که این تحقیق به ذکر خیر او حسن ختام یابد .